

تحلیل خشونت‌گرایی شدید داعش بر اساس نظریه روانشناسی سیاسی گروه

زهرا آقامحمدی*

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان

علی امیدی

دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان

چکیده

پدیده داعش در طی چند سال گذشته از مهم‌ترین رویدادهای جهانی به‌ویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه بوده است. ابعاد سیاسی و بین‌المللی گروه تروریستی داعش توسط محققان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان بسیاری مورد مطالعه قرار گرفته، اما عوامل روانی و انگیزه‌های روان‌شناختی اعمال سبعانه این گروه تروریستی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که خشونت‌گرایی داعش از منظر رویکرد روانشناسی سیاسی گروه چگونه قابل تجزیه و تحلیل است. در پاسخ به این سؤال مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی بر این فرضیه اذعان می‌کند که اگرچه خشونت‌طلبی و وحشی‌گری داعش ممکن است عوامل مختلف روانشناسی داشته باشد، اما یکی از عوامل اصلی آن روانشناسی گروه، گروه‌زدگی و عضویت در گروه است که فشارهای درون‌گروهی این گروه تروریستی منجر به تضعیف بازدهی ذهن اعضا، فهم ناصحیح از واقعیت، قضاوت اخلاقی سهل‌انگارانه و عادلانه پنداشتن اقدامات خشونت‌آمیز خود شده است. هرچند داعش با فتح موصل توسط ارتش عراق (جولای ۲۰۱۷) و تنگ شدن حلقه محاصره آن در سوریه نفس‌های آخر را می‌زند، ولی تفکر داعشی کماکان زنده است. از این رو، با کاهش انسجام این گروه و گشودن راه‌های پویایی تصمیم با روش‌های مختلف، اثرات تفکر گروهی در این گروه تروریستی تا حد زیادی محدود خواهد شد.

واژگان کلیدی: خشونت‌طلبی، داعش، روانشناسی سیاسی، نظریه گروه‌زدگی.

مقدمه

گروه تروریستی داعش با توجه به خشونت و جنایت‌های خود به یکی از بحث‌برانگیزترین سازمان‌های تروریستی تبدیل شده است. دولت اسلامی در عراق و سوریه یا همان داعش همچنان به تحمیل ارزش‌های خشونت‌آمیز و مرگبار خود علیه کسانی که دشمن می‌پندارد ادامه می‌دهد. تأثیر اقدامات داعش در همه‌جا از سربریدن گروگان‌ها گرفته تا کشتار جمعی در شهرها و در سراسر جهان احساس می‌شود. از زمان پیدایش داعش در سال ۱۹۹۹ توسط ابو مصعب الزرقاوی، این گروه فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. شعار الزرقاوی شبیه شعارهای القاعده بود و بسیاری از حامیان صدام حسین را پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ به خود جذب کرد. در سال ۲۰۱۱ دولت عراق به شدت بی‌ثبات و سوریه گرفتار جنگ داخلی شد. این امر فرصت بسیار خوبی را برای گروه تروریستی داعش جهت استقرار در دو کشور عراق و سوریه فراهم نمود و زمینه را برای رشد و گسترش آن‌ها مساعد کرد. از این‌رو، در سال ۲۰۱۴ کنترل بسیاری از مناطق نفتی در عراق و سوریه به دست داعش افتاد و وحشت و خشونت آن نه تنها تمامی منطقه، بلکه سراسر جهان را متأثر کرد.

با توجه به وضعیت بحرانی فعلی، ممکن است این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چه چیزی باعث خشونت‌طلبی و وحشی‌گری این گروه شده است و چرا گروهی از مردم بیشتر مستعد پذیرش افراطی‌گری و عضویت در گروهی مانند داعش نسبت به سایرین می‌شوند. افراط‌گرایی و متعاقباً خشونت‌طلبی یک پدیده به شدت پیچیده است و عوامل زیادی از جمله حس از خودبیگانگی که باعث آسیب‌پذیری بیشتر می‌شود و همچنین تفسیرهای افراطی از اسلام که راه را برای خشونت هموار می‌کند، در این فرایند نقش دارد. علی‌رغم این، آنچه اعضای این گروه را به سمت اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های خشونت‌آمیز سوق می‌دهد، کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. هنگامی که می‌خواهیم به بررسی گروه‌های خشونت‌آمیز و ایدئولوژی‌های افراطی آنان مانند داعش بپردازیم، بدیهی است افرادی که به این گروه‌ها می‌پیوندند بنا به دلایل مختلفی از جمله از خودبیگانگی، ظلم و ستم، ایدئولوژی‌های خاص یا ماجراجویی جذب چنین گروه‌هایی می‌شوند، اما صرف عضویت در یک گروه، ساختار سلسله‌مراتبی، ایدئولوژی غالب و کیش رهبری آن، اعضای گروه را شدیداً مستعد اعمال خشونت‌آمیز می‌کند.

آنچه نگارندگان این مقاله را به نگارش در مورد چنین موضوعی واداشته است این است که در وضعیت فعلی امنیت ملی، تروریسم به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید، منابع زیادی را در خصوص مبارزه با این پدیده به خود اختصاص داده است. پابین حال، این تلاش‌ها فاقد پایه و اساس مفهومی برای درک تروریست و اقدامات خشونت‌آمیز آن‌ها است. از این‌رو، هدف نگارندگان از نگارش این مقاله تجزیه و تحلیل گروه تروریستی داعش از منظر روانشناسی است، زیرا مانند همه رویکردها برای فهم و درک رفتار انسان، یک رویکرد روانشناسی نیز از مزایا و محدودیت‌هایی برخوردار

است. سؤالی که این مقاله در پی پاسخ دادن به آن است این است که چگونه می‌توان پدیده داعش را از منظر رویکرد روانشناسی و مدل تفکر گروهی یا گروه‌زدگی (Groupthink theory) به‌عنوان یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ پاسخ به این سؤال مبتنی بر این فرض است که اگرچه خشونت‌طلبی و وحشی‌گری داعش ممکن است عوامل مختلف روانشناسی داشته باشد، اما یکی از عوامل اصلی آن روانشناسی گروه، گروه‌زدگی و عضویت در گروه است که فشارهای درون‌گروهی این گروه تروریستی منجر به تضعیف بازدهی ذهن اعضا، فهم ناصحیح از واقعیت، قضاوت اخلاقی سهل‌انگارانه و عادلانه پنداشتن اقدامات خشونت‌آمیز خود شده است. این امر نشان می‌دهد که تا چه حد یک گروه منسجم مانند داعش، هنجارهای درون‌گروهی بسیار ضعیف به وجود می‌آورد. ضرورت این پژوهش بدان جهت از اهمیت برخوردار است که پدیده داعش به‌عنوان مهم‌ترین معضل جهان امروز که با مرگ و زندگی انسان‌ها به‌ویژه زنان و کودکان سروکار دارد، نیازمند واکاوی بیشتر و کشف علل گسترش و افزایش روزافزون خشونت‌طلبی و وحشی‌گری این گروه و همچنین عضوگیری بسیار زیاد این گروه از اقصی نقاط جهان از جمله ایران است. این امر، از طریق تجزیه و تحلیل این گروه و اعضای آن بر اساس مدل تفکر گروهی بهتر نمایان خواهد شد، زیرا مطابق با مدل تفکر گروهی و شاخصه‌های آن، تصمیم‌گیری اعضا درون‌گروهی مانند داعش، هنجارهای درون‌گروهی ضعیف می‌آفریند و متعاقباً تصمیمات آن‌ها به خشونت‌طلبی و بربریت هر چه بیشتر می‌انجامد.

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه پژوهش باید بیان داشت مقالات و کتب فارسی و لاتین زیادی از جمله موارد زیر در این زمینه وجود دارد. کتاب «تحلیل روان‌شناختی پدیده داعش» با تأکید بر روانشناسی سیاسی تألیف سعید عبدالملکی، که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات علم منتشر شده است به عوامل و ریشه‌های روان‌شناختی تشکیل‌دهنده گروه داعش پرداخته است. سؤال اصلی که نویسنده در این کتاب در پی پاسخ به آن است تحلیل و ارزیابی ریشه‌های روان‌شناختی شکل‌گیری این گروه تروریستی است که در پاسخ به این سؤال از پدیده داعش به‌عنوان یک گروه تکفیری - تروریستی یاد شده که محصول عوامل چندگانه‌ای به‌ویژه شخصیت و رفتار، همدستی نیروهای درون‌فردی و برون‌فردی است.

کتاب «روانشناسی داعش و خطر افزایش نفوذ دولت اسلامی» اثر روث نیومن (Ruth Newman) که در نوامبر ۲۰۱۵ منتشر شد با تأکید بر داعش و دولت اسلامی به‌عنوان یک پدیده خطرناک، این سؤال را مطرح می‌کند که علت اصلی جذب مردم به گروه تروریستی داعش چیست. نیومن معتقد است علت اصلی جذب افراد به گروه تروریستی داعش را باید در ایدئولوژی آن جست‌وجو کرد. جاذبه گروه تروریستی داعش به واسطه ایدئولوژی‌ای که از آن سخن می‌گوید در یک روایت افراطی و سوءاستفاده از اسلام ریشه دارد.

«روانشناسی تروریسم» نوشته راندی بروم (Randy Borum) که در سال ۲۰۰۴ توسط دانشگاه فلوریدای جنوبی به رشته نگارش درآمد ضمن تأکید بر تروریسم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات عصر حاضر و خطری علیه امنیت ملی فعلی، به ریشه‌های شکل‌گیری تروریسم و پیشگیری از این پدیده جهان‌گستر پرداخته است. نویسنده در پی پاسخ به این سؤال است که هر کشوری چگونه باید به تروریسم پاسخ دهد و این فرضیه را مطرح می‌کند که تروریسم نه تنها به تصمیم‌گیری‌های فردی و درک و توضیح رفتار انسان‌ها مربوط است، بلکه علاوه بر آن سایر عوامل مذهبی، سیاسی، اقتصادی و ... را نیز در برمی‌گیرد و در بررسی تروریسم باید همه عوامل را با هم در نظر گرفت.

مقاله «روانشناسی تروریسم: چگونه داعش در قلوب و اذهان نفوذ پیدا می‌کند» نوشته جشوئا کریچ (Joshua A. Krisch) که در سال ۲۰۱۵ توسط نیویورک دیلی نیوز منتشر شد در پی پاسخ به این سؤال است که چه نوع تفکری باعث کشتار انسان‌های بی‌گناه توسط گروه تروریستی داعش می‌شود و ریشه چنین تفکری چیست. تجزیه و تحلیل وی بر این اساس استوار است که در گروه داعش دودسته نیرو وجود دارد. یک دسته افرادی هستند که در کشورهایمانند عراق و سوریه و شام متولد شده‌اند و برای رهایی وطن خویش از شر به داعش پیوسته‌اند که تفکرات خشونت‌گرای این افراد کمتر از دین و اسلام الهام گرفته شده است و دسته دیگر افرادی هستند که از کشورهای دیگر به این گروه جذب می‌شوند و هدف آن‌ها بیشتر به دلیل انگیزه‌های اقتصادی و محرومیت و ملهم از دین و القانات ذهنی داعش است که در ذهن و قلب آن‌ها رسوخ پیدا کرده است. اگرچه آثار دیگری در زمینه روانشناسی تروریسم و داعش نیز به رشته نگارش درآمده است، ولی اکثر آن‌ها به لحاظ روانشناسی فردی یا روانشناسی سیاسی این پدیده را مورد بررسی قرار داده و در حال حاضر اثر شاخصی که به‌طور مستقیم و دقیق این گروه تروریستی را بر اساس مدل گروه‌زدگی و شاخصه‌های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده باشد، وجود ندارد.

مبانی نظری تحقیق؛ روانشناسی سیاسی گروه و خشونت

روانشناسان سیاسی در مورد اینکه چرا افراد افراطی می‌شوند معتقدند طیفی از صفات شخصیتی تا نیاز به همسویی با گروه منجر به این امر می‌شود. بر این اساس، افراطیون، همگی بیمار روانی نیستند و توانایی انجام دادن شرارت در ذات همه انسان‌هاست. مسئله شخصیت در افراطی‌گری و خشونت‌طلبی افراد نیز بی‌اهمیت نیست. (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۳۳-۳۳۲)

علی‌رغم این، لازم به ذکر است که بررسی افراد افراطی از دیدگاه گروهی نیز شناخت بیشتری از رفتارهای آنان به دست می‌دهد، زیرا اعمال خشونت‌آمیز افراطی تقریباً توسط گروه‌ها و نه افراد تشویق می‌شود. اگرچه دلایل بسیاری از جمله دلایل ایدئولوژیک و نیز حمایت اجتماعی برای پیوستن فرد به گروهی وجود دارد، اما پس از پیوستن به گروه دیدگاه‌های همسو با گروه تقویت می‌شود که این امر منجر به تعهد به گروه و درنهایت گسترش دیدگاه‌های افراطی‌تر خواهد شد.

هر چه فرد رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری مرتکب شود از نظر روان‌شناختی بیشتر به دام خواهد افتاد و اعمال وحشیانه‌تری از خود بروز خواهد داد. (همان: ۳۳۴)

علاوه بر این، برخی از روانشناسان اجتماعی بر اساس نظریه پایه‌ای گوستاو لوبون (Gustave Le Bon) به بررسی این فرضیه پرداخته‌اند که عضویت در گروه‌های بزرگ و گمنام سبب می‌شود فرد در مقایسه با زمانی که تنهاست رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی بیشتری از خود نشان دهد. گوستاو لوبون معتقد است گروه یک گردهمایی موقت کاملاً ناخودآگاه است و شکل‌گیری آن تحت تأثیر عامل وحشت است که در تلقین‌پذیری و گردهمایی افراد سهم مؤثری دارد. (لوبون، ۱۳۷۱: ۴۸)

لوبون برای مشخص‌تر شدن این نظریه، نخست از خصوصیات روان‌شناختی گروه از جمله تحریک‌پذیری و هیجان‌زدگی، تلقین و زودباوری و نداشتن تفکر منطقی، داشتن کمبود در قدرت قضاوت و روح انتقادگر و زیاده‌روی در احساسات نام می‌گیرد. به نظر او خصلت تحریک‌پذیری از این امر نشئت می‌گیرد که، گروه با تلقین‌پذیر کردن افراد و سرایت دادن نظرات و خواسته‌های گروهی و یکدست خود به آنان همه را در وضعیتی هیجان‌زده قرار می‌دهد و از این راه باعث ایجاد گرایش‌های افراطی و کورکورانه در آنان می‌شود، و همه را به هر کاری که بخواهد، از ارتکاب جنایت و ویرانگری گرفته تا مرگ‌پراکنی وامی‌دارد. نشانه‌های این مسئله را در تحمل‌ناپذیری، پرخاش‌جویی، و گرایش به ارتکاب جنایت و ویرانگری می‌بینیم. (همان: ۵۹)

یکی دیگر از خصوصیات گروه از نظر لوبون، زودباوری و نداشتن تفکر منطقی آن است با این توضیح که تصویری که افراد گروه از یک رویداد احتمالی، پیش آمد یا شخصیت خاص در ذهن و خیال خود دارند دارای همان قدرت و جنب‌وجوش ویژه امور واقع است. (همان: ۶۱) مبالغه در احساس‌های گروه از دیگر خصوصیتی است که آحاد افراد یک گروه یا گروه از آن برخوردار می‌باشند. بدین معنا که هر احساسی که گروه از خود بروز دهد چه خوب و چه بد، این احساس‌ها خیلی ساده و مبالغه‌آمیز می‌باشند. (همان: ۷۱)

بدین ترتیب، هنگامی که چند تن از اعضای گروه استدلال‌های خود را در حمایت از دیدگاه غالب بیان کنند نه تنها دیدگاه سایر اعضای گروه نیز به سمت افراطی‌تر شدن پیش می‌رود، بلکه سعی در حفظ جایگاه و موقعیت خود در درون گروه را دارند که این امر عاملی مؤثر در اتخاذ روش‌های خشونت‌آمیز توسط آن‌هاست. تحقیق و بررسی در مورد افرادی که به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند نشان می‌دهد که این افراد دیدگاه‌های افراطی یکدیگر را تقویت می‌کنند و روزبه‌روز بر افراط و خشونت‌طلبی آن‌ها افزوده می‌شود. (جرجیس، ۲۰۱۶: ۶)

عضویت در گروه‌های بزرگ و گمنام سبب می‌شود فرد در مقایسه با زمانی که تنهاست رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی بیشتری از خود نشان دهد. فیلیپ جورج زیمباردو (Philip George Zimbardo) (فیلیپ جورج زیمباردو متولد ۲۳ مارس ۱۹۳۳ روان‌شناس و استاد دانشگاه استنفورد

است). برای تبیین این اثر با طرح نظریه فردیت‌زدایی اثبات می‌کند عضویت در یک گروه گمنام سبب می‌شود شخص هویت فردی و احساس مسئولیت خود را ازدست‌داده و در انجام دادن رفتارهای اجتماعی منفی که معمولاً توسط معیارهای درونی منع می‌شود، با شدت عمل بیشتری اقدام کند. (جلالی، ۱۳۹۳: ۲)

حال ممکن است این سؤال پیش بیاید که یک گروه چگونه شکل می‌گیرد. درحالی‌که بسیاری از محققان تاکنون موفق نشده‌اند نظریه‌ای که در آن چگونگی و چرایی شکل‌گیری گروه‌ها به‌طور جامع و کامل توضیح داده شده باشد را ارائه دهند، اما غالباً دو دیدگاه کارکردی و دیدگاه جاذبه میان‌فردی در رابطه با شکل‌گیری گروه‌ها مطرح می‌شود. در دیدگاه کارکردی اعتقاد بر این است که گروه شکل می‌گیرد تا کارکرد خاصی را انجام دهد یا نیازهای اعضای گروه را برآورده سازد، اما دیدگاه جاذبه میان‌فردی علت شکل‌گیری گروه‌ها را وفاداری اعضای گروه نسبت به یکدیگر و گذراندن وقت در کنار هم می‌داند. (Cottam and Others, 2015: 117)

از این رو وقتی گروهی به یکی از دلایل فوق شکل گرفت، به سمت قطبی شدن پیش می‌رود بدین معنا که تصمیمات گروه از تصمیمات فردی مخاطره‌آمیزتر می‌شود و گروه اقداماتی را اتخاذ می‌کند که غیرموجه است. برای اثر قطبی شدن گروه چندین مسئله حائز اهمیت است. یک مسئله بر پایه دیدگاه استدلال ترغیبی استوار است که بر این باور است که افراد ممکن است با یکسری استدلال‌های ترغیبی مواجه شوند که به نفع موضع اولیه آن‌ها است. (Solms, 2003: 479)

مسئله دیگر در مورد قطبی شدن گروه، بر فرایندهای مقایسه اجتماعی مبتنی است. بر این اساس، اعضای گروه غالباً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند تا نظریات خود را مورد تأیید قرار دهند. (Dugosh and Paulus, 2005: 315) سومین مسئله در مورد قطبی شدن گروه، بر اساس فرایندهای هویت اجتماعی توضیح داده می‌شود. طبق این دیدگاه، مباحث گروهی باعث می‌شود هر یک از اعضای گروه بر گروه تمرکز کند که اغلب به ایجاد فشار برای همسویی منجر می‌شود. (Lupu, 2015: 332)

مباحث فوق در قالب اصطلاح گروه‌زدگی در ادبیات روابط بین‌الملل و روانشناسی سیاسی ابتدا توسط ایروینگ جانیس (Irving Janis)، ابداع شد و از نظر وی زمانی این پدیده اتفاق می‌افتد که فشارهای درون گروه منجر به تضعیف بازدهی ذهن، فهم ناصحیح از واقعیت و قضاوت اخلاقی سهل‌انگارانه می‌شود. این امر در گروه‌های بسیار منسجمی که اعضای گروه به جای ارزیابی مشکلات و ارائه راه‌حل‌های واقع‌بینانه، بیشتر به اجماع تمایل دارند، بیشتر اتفاق می‌افتد. (Lunenburg, 2010: 2)

جدول (۱): هشت نشانه و شاخصه گروه‌زدگی از نظر جانیس

گسترش تصور آسیب‌ناپذیری اکثر اعضای گروه از خود و متعاقباً خوش‌بینی بیش‌ازحد و خطرپذیر شدن گروه	آسیب‌ناپذیری
توسل به توجیه و دلیل‌تراشی با هدف رد کردن همه هشدارها و بازخوردهای منفی و احتراز از زیر سؤال بردن تصمیم‌های خود	دلیل‌تراشی
اعتقاد به پیروی از اصول اخلاقی بسیار بالای گروه و متعاقباً خطر نادیده گرفتن پیامدهای اخلاقی و روانی تصمیم‌های خود	تفوق اخلاقی گروه
تصورات قالب اعضای گروه درباره مخالفان خود و شریر، بی‌لیاقت، ضعیف یا احمق پنداشتن گروه	تصورات قالب و کلیشه‌ای
فشار به اعضای مردد گروه برای هم‌رنگی با گروه	فشار برای یکدست شدن و هم‌رنگی
سانسور نمودن و خودسانسوری اعضای گروه از هرگونه انحراف از اجماع گروه، و سعی در به حداقل رساندن شک و تردیدهای خود یا پنهان نمودن شک و شبهه‌ها در زمینه استدلال‌ات مخالفان	خودسانسوری
گرفتار شدن گروه در خطای هم‌رایی به دلیل اعتقاد به موافق بودن اعضای سکوت‌کننده و درنهایت تصور رسیدن به یک راه‌حل معتبر	اتفاق آرا و هم‌رایی
حمایت گروه از رهبر و سایر اعضای گروه در برابر اطلاعات ناسازگار تأثیرگذار در تصمیمات گروهی	نگهبان یا پاسدار ذهن

(Rose, 2011: 38- 39)

تحلیل خشونت‌گرایی داعش بر اساس روانشناسی گروه

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، گروه‌ها یا بر اساس دیدگاه کارکردی یا بر اساس دیدگاه جاذبه میان‌فردی شکل می‌گیرند. بر اساس مفروضات هر یک از دو دیدگاه به نظر می‌رسد شکل‌گیری گروهی مانند داعش بر اساس دیدگاه کارکردی شکل گرفته است، زیرا بخشی از انگیزه پیوستن اعضا به این گروه، ارضای بخشی از نیازهای روان‌شناختی آن‌هاست و بخش دیگری از انگیزه اعضای این گروه از پیوستن، ارضای نیاز به قدرت و کنترل دیگران است که این افراد با پیوستن به داعش، سعی در رفع چنین نیازی هستند.

بدین ترتیب، برای تبیین خشونت‌گرایی مفرط داعش در چارچوب روانشناسی گروه، می‌توان آن را در قالب سه فرایند مرتبط با یکدیگر تحلیل کرد. فرایند اول هویت‌سازی و عضوگیری است. هر پدیده‌ای به بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مساعد برای شکل‌گیری نیاز دارد. داعش نیز از این امر مستثنی نیست. داعش محصول محیط سرشار از فقر، خشونت، بی‌نظمی و بی‌سوادی است. یک گروه پس از هویت‌سازی ممکن است تحت شرایطی به سمت قطبی شدن شدید پیش برود که این امر در خصوص داعش نیز شدیداً صدق می‌کند. درنهایت نیز، گروه برای بقا و پیروزی ممکن است اقدامات شرورانه خود را فضیلت قلمداد کند که داعش نیز این‌گونه عمل می‌کند.

هویت‌سازی

هویت گروه تروریستی داعش یکی از مهم‌ترین عوامل فهم این گروه است و اینکه چگونه این گروه از رسانه‌های مختلف برای هویت‌سازی و بیان این هویت استفاده می‌کنند از مسائل درخور توجه است. گروه داعش تمامی تلاش خود را برای محافظت از اهل سنت و مبارزه با دشمنان اهل سنت از شیعیان گرفته تا علویان و غربی‌ها به عمل می‌آورد. (Bondokji and Others, 2016: 18) مسئله این است که در این گروه، هویت سنی به‌گونه‌ای خاص نشان داده می‌شود و برداشت اخیر از مفهوم بازگشت به خویشتن مهم‌ترین بستر شکل‌گیری چنین اندیشه تکفیری و افراطی است. به همین دلیل آن‌ها با ایجاد هویت سنی جدید و با بازگشت به ۱۴۰۰ سال پیش یعنی نخستین روزهای اسلام، درصدد گسترش چنین اندیشه و تفکری هستند. (Hashemi, 2016: 11) خصلت این نحله فکری این است که هنر و خلق آثار هنری را، شرک تلقی می‌کنند به‌طوری‌که مواجهه با آثار تاریخی و هنری در گروه تروریستی داعش به‌وضوح دیده می‌شود. همچنین این گروه از رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک شیوه تبلیغاتی به‌گونه‌ای استفاده می‌کند که هیچ گروه تروریستی یا شورشی قبلاً از آن استفاده نکرده است. (Hadra, 2015: 127-130)

از نظر بسیاری از محققین از جمله توماس هگهامر (Thomas Hegghammer)، علل ریشه‌ای مشخصی برای افراط‌گرایی وجود ندارد، اما تزلزل در هویت که با احساس محرومیت نسبی ایجاد می‌شود، می‌تواند یکی از علل اصلی جذب این افراد توسط گروه تروریستی داعش به‌عنوان اعضای هدف باشد. (Hegghammer, 2010: 70) برخی از محققان خاطر نشان می‌سازند که زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی اگرچه ممکن است منجر به احساس محرومیت نسبی توسط افراد شود، اما به‌طور مستقیم در اینکه چرا افراد به گروه‌های تروریستی مانند داعش پیوسته‌اند، نقشی ندارند. (Christmann, 2012: 24) از این رو، می‌توان گفت بر اساس نظریه هویت اجتماعی، که حس هویت افراد را مبتنی بر عضویت آن‌ها در گروه می‌داند، پیوستن این افراد به گروه‌های جمعی مانند داعش باعث تقویت هویت فرد و هویت‌سازی می‌شود. (Chen And Xin, 2008: 1)

در مورد گروه تروریستی داعش نیز یافته‌ها حاکی از آن است که افراد مورد هدف داعش با نوعی محرومیت نسبی مواجه هستند که این گروه برای استخدام این افراد از ابزارهای مختلف و نمادینی چون رسانه‌های اجتماعی، تبلیغات و ... استفاده می‌کند. بنابراین، هویت امر بسیار مهمی در خشونت‌گرایی داعش به شمار می‌رود، زیرا سردرگمی هویتی ممکن است افراد را بیشتر در معرض خطر ابتلا به افراط‌گرایی قرار دهد. (Tadjbakhsh, 2016: 16) بدین ترتیب، آسیب‌پذیری‌های عاطفی ناشی از محرومیت نسبی و بحران هویت به همراه شیوه‌های تبلیغاتی به کار گرفته‌شده از سوی داعش برای افراطی‌تر کردن افراد، بر خشونت‌گرایی این گروه می‌افزاید. (Connor and Flynn, 2016: 6)

هنری تاجفل (Henri Tajfel) بر این باور است که گروه‌ها به افراد حس هویت اجتماعی و احساس تعلق به جهان را می‌دهند به همین دلیل در ارتباط با گروه داعش نیز باید اذعان داشت که این گروه به‌عنوان یک گروه افراطی و خشونت‌طلب، افرادی را جذب می‌کند که محرومیت نسبی را در جوامع خود تجربه کرده‌اند. (McLeod, 2008: 6) از این رو، گروه تروریستی داعش با ارائه تعریف جدید از هویت، فرصتی را برای بهبود وضعیت خود فراهم می‌کند و با اتخاذ یک هویت جمعی، هویت فردی اعضا را نادیده می‌گیرد. هنگامی که اعضای داعش شروع به از بین بردن هویت‌های قبلی خود می‌کنند، با پذیرش هویت گروه جدید نوعی انسجام اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. (Mikami, 2017: 17) همان‌گونه که البغدادی به‌عنوان رهبر گروه داعش باعث ایجاد هویت کاملاً جدیدی شد و امت را به‌عنوان هویت غالب این گروه افراطی معرفی نمود و هدف اصلی وی این بود که روایت انسجام گروه را در ذهن اعضای جدیداً استخدام‌جا بیندازد. (Georges, 2015: 4)

به‌عنوان مثال، فردی به نام ام لیث (Om laith) به‌عنوان یکی از اعضای داعش در وبلاگش شرح می‌دهد آنچه داعش و قاتلان خشونت‌گرای آن به جوانان مسلمان اروپایی پیشنهاد می‌کنند این است که، به افراد این فرصت را می‌دهد که خود را به‌عنوان بخشی از ایدئولوژی این گروه تلقی کرده تا از این طریق به زندگی آن‌ها معنا و هویت جدیدی ببخشد. (زکریا، ۱۳۹۳: ۷) با این حال در مورد گروه افراطی داعش باید خاطر نشان ساخت که هویت در این گروه نه امری انتزاعی، بلکه امری انضمامی است. داعش هیچ‌گونه تمایلی به جذب افرادی که حاضر به ترک هویت پیشین خود نیستند ندارد و با ایجاد هویتی جدید انتظارات خود را در خصوص چگونگی اقدام اعضا در گروه برآورده می‌سازد. (Chassman, 2016: 245) رهبران داعش به‌خوبی از این مسئله آگاه هستند که فهم و پذیرش هویت آن‌ها توسط اعضای جدید باعث تعهد آن‌ها به تبعیت از آرمان‌ها و اهداف گروه می‌شود. (Chassman, 2016: 247)

از نظر برخی محققین، دو نوع عضوگیری در داعش وجود دارد، نخستین نوع شامل تروریست‌هایی می‌شود که در عراق، سوریه و شام متولد شده‌اند و بنا به دلایل داخلی عضو این گروه‌ها شده و به جنگ و خشونت مبادرت می‌کنند. این تروریست‌ها کمتر از عقاید مذهبی خود الهام گرفته و بیشتر توسط موج خشونت پایان‌ناپذیری که دین و موطن آن‌ها را از زمان بدو تولد تاکنون به ستوه آورده است، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. دومین نوع از اعضای گروه تروریستی داعش در مجموع یک نوع متفاوت است، زیرا این افراد در خارج از مناطق جنگی و مکان‌هایی مانند انگلستان، ایالات متحده آمریکا، استرالیا یا اروپا متولد شده‌اند و برای همراهی داعش به آن می‌پیوندند. این افراد معمولاً تحصیل کرده و بدون داشتن هیچ‌گونه پیش‌زمینه افراطی‌گری هستند. (Mathers, 2016: 35)

در مناطق جنگ‌زده خاورمیانه از جمله عراق و سوریه، داعش حضور پررنگی دارد و اغلب مردم را نه به دلیل تجدیدنظر در مذهب اسلام، بلکه به دلیل ترس از خشونت‌هایی که بر آن‌ها اعمال می‌شود،

به استخدام خود درمی‌آورد. (Alarid, 2016: 316) به دلیل آنکه تحصیلات اکثریت این افرادی که به استخدام گروه تروریستی داعش درمی‌آیند بیشتر از سطح ابتدایی نیست، آن‌ها با تکیه بر تعالیم داعش، آن را به‌عنوان منبع اصلی تعلیمات و آموزش‌های خود در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، پیوستن به سازمان برای کسانی از جذابیت برخوردار است که فقیر و توسط جامعه خود محروم شناخته می‌شوند. (Rosenblatt, 2016: 7) مفهوم جهاد داعش، حس فرصت برابر برای همه را ترویج می‌دهد، حتی اگر چنین آرمان و کمال مطلوبی بعدها رها شود. اسکات آتران (Scott Atran)، انسان‌شناسی که مطالعات خود را به روانشناسی داعش اختصاص داده است، جهاد را به‌عنوان یک «هیجان، فرصت برابر کارفرما: برادروار، شکست سریع، باشکوه و قانع‌کننده» توصیف می‌کند. برای این افراد، گروه تروریستی داعش حس امنیتی را به آن‌ها می‌دهد که رهبران‌شان برای تأمین چنین امنیتی برای آن‌ها با شکست مواجه شده‌اند. (Atran, 2015: 4)

دلیل تمرکز و تکثر داعش در کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته عراق و سوریه، فقدان ساختارهای مناسب برای مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و گرایش‌های گروه‌های مختلف قومیتی و مذهبی منجر به شکل‌گیری گروه تروریستی داعش شده است. (Ignatius, 2015: 11) از این رو افرادی که به هر دلیلی ناکامی‌هایی را در زندگی شخصی خود پشت سر گذاشته‌اند، با این ذهنیت که عامل اصلی این ناکامی‌ها دولت‌هایشان بوده‌اند، دچار درماندگی و سرخوردگی شده و به دلیل آنکه دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، برای جبران شکست‌های خود به گروه افراطی مانند داعش می‌پیوندند و همچنین برای انتقام از تمام کسانی که به تصور آن‌ها در ناکامی‌های آن‌ها نقش داشته‌اند رویکرد بی‌تفاوتی نسبت به خشونت را در پیش می‌گیرند. (Graham, 2016: 5)

در نتیجه، با ارزیابی خصوصیات شخصیتی اعضای داعش می‌توان به این مسئله پی برد که بر اساس نظر اریک اریکسون (Erik Erikson) اعضای این گروه نه تنها قادر به انطباق خود با هنجارهای جامعه نبوده‌اند، بلکه این رفتار آن‌ها از سوی خانواده و جامعه‌شان نابهنجار تلقی شده و در نهایت طرد می‌شوند. (de la Corte, 2007: 2)

گروه تروریستی داعش پس از تمرکز در کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته عراق و سوریه در جذب نیرو، بر روی اروپایی‌ها به‌ویژه مسلمانان مهاجری تمرکز دارد که حس می‌کنند به دلیل مذهبشان از جوامع خود طرد شده‌اند. از این رو، می‌توان گفت یک وجه مشترک بین انواع اهداف قربانیان داعش چه در اروپا و چه در خاورمیانه وجود دارد. (Zamora, 2016: 21) بنابراین، این‌گونه افراد با عضویت در داعش، نوعی هویت منفی را برای خود انتخاب نموده‌اند که باعث شده نسبت به خشونت و اعمال جنایت‌کارانه تا حدی بی‌تفاوت باشند، که حتی آن را امری طبیعی تلقی کنند. (Daskin, 2016: 3)

از این رو، گروه تروریستی داعش بر ترس و عدم خودکفایی برای جذب اعضای جدید از طریق جلب نظر آن‌ها با وعده برادری ابدی عاطفی و مالی متکی است و به

دلیل وجود ترس، بکارگیری خشونت به عنوان پایه و اساس اقدامات این گروه لازم است. (AbuZayd and Others, 2015: 4)

با این مبانی نظری این تحلیل به دست می آید که افراد عضو داعش در یک بن بست روان شناختی زندگی می کنند و برای به دست آوردن اعتماد به نفس ازدست رفته خود با هویت داعش ظاهر شده اند تا در سایه این قدرت موهوم کسب روحیه و اعتبار کنند و با برتر جلوه دادن خود و قائل بودن تفوق اخلاقی بر سایر گروه ها به جذب نیرو بپردازند. (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۲) بنابراین، آنچه داعش را از گروه های دیگر متمایز می کند، شکل جدیدی از هویت سازی توسط این گروه است که به افراد هویت جدیدی می دهند. به همین دلیل، حتی افرادی در اروپا نیز جذب داعش شده اند، زیرا به واسطه آموزه های داعش، این افراد هویت خود را آن طور که خود می خواهند شکل می دهند و از این طریق، به هویت خود معنا می بخشند.

قطبی شدن گروه

قطبی شدن گروه از دیگر ویژگی های گروه زدگی است که به خوبی در مورد داعش به عنوان یک گروه تروریستی صدق می کند. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که تصمیمات گروهی، نظر اکثریت افراد را بازتاب می کند به همین دلیل غالباً با خطر کمتری مواجه است، اما با وجود این، در تحقیقات روانشناسی با نقض چنین ایده ای مواجه هستیم به این دلیل که این دسته از محققان بر این باور هستند که تصمیم گیری گروهی به قطبی شدن گروه منجر شده و باعث اتخاذ تصمیمات افراطی تر توسط گروه می شود. (Stangor, 2013: 7)

قطبی شدن نظرات در گروه در روان شناسی اجتماعی به تمایل گروه ها به اتخاذ تصمیماتی اطلاق می شود که نسبت به گرایش های ابتدایی اعضای آن ها رادیکال تر است. اگر گرایش های ابتدایی افراد ریسکی باشد تصمیمات گروه به سمت ریسک بیشتر و اگر تمایلات ابتدایی افراد محتاطانه باشد، به سمت احتیاط سوق پیدا می کند. (Aronson, 2010: 273) داشتن تفکر سیاه و سفید یا به عبارتی دیگر، همه یا هیچ یا این شعار که یا با ما یا علیه ما، این گفتمان مطلق گرا و حذف محور را راهبری می کند که جهان و آدم های آن دودسته هستند یا دوست یا دشمن و دسته سومی نمی تواند وجود داشته باشد. پیامدهای آسیب زای این تفکر زمانی در رفتارهای اعضای داعش بیشتر نمایان می شود که به اعدام پزشکان می پردازد یا اقدام به سربردن حتی کودکان و مردان و زنان می کند یا اقشار بی طرف و خنثی را مجبور به پذیرفتن عقاید خود می کند. از رنگ پرچم این گروه که ترکیبی از سیاه و سفید است نیز این امر مهم به خوبی نمایان می شود. (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) همچنین افرادی که تحت فشار هستند تمایل به همدست شدن با یکدیگر دارند و در صدد تشکیل گروه های درونی و بیرونی برمی آیند و جهان را به دو بخش افراطی گونه ما/ آن ها تقسیم و قطب بندی می کنند و با هر کسی یا هر چیزی که خارجی یا بیگانه است، دشمنی می ورزند.

(Dezutter, 2007: 11) عضویت در گروه به نوبه خود نیز رویارویی افراد را در مواجهه با مرگ خود حتی اگر خیلی وحشتناک و دردناک هم باشد، تسهیل می‌بخشد. (Sageman, 2008: 41) همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری نیز به آن اشاره شد، در قطبی شدن گروه سه مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است و در رابطه با گروه تروریستی داعش که به سمت قطبی شدن سوق پیدا کرده است، صدق می‌کند. نخستین مسئله، بحث استدلال ترغیبی است که اعضای داعش با استدلال‌ها و دلیل‌تراشی‌های ترغیبی این گروه روبرو شده و آن را به نفع موضع و گرایش اولیه خود دیده و نظر آن‌ها را در همسویی با نظر این گروه تقویت می‌کند و با بازگویی و تکرار افکار گروه باعث گرایش هر چه بیشتر گروه به سمت افراطی‌تر شدن گروه شده‌اند. (Solms, 2003: 479-480) دومین تأثیری که مسئله قطبی شدن در گروه از خود به جای می‌گذارد و باعث می‌شود گروه‌ها در جریان بحث‌های خود به سوی دیدگاه‌ها و تصمیم‌های افراطی‌تر تمایل پیدا کنند، بحث فرایندهای مقایسه اجتماعی است. بدین معنا که هر یک از اعضای گروه می‌خواهد بالاتر از متوسط باشد و جایی که به بحث عقاید مربوط باشد، این به معنای داشتن دیدگاه‌هایی است که بهتر از دیدگاه‌های دیگر اعضای گروه باشد. بهتر در اینجا به معنی اتخاذ دیدگاهی است که در خط ترجیح کلی گروه و حتی بیش از آن باشد. این فرایند مقایسه اجتماعی در گروهی مانند داعش چنان قوی است که قطبی شدن حتی به‌صرف اطلاع از مواضع دیگران و بدون روبرو شدن با استدلال‌های موافق حتی نیز اتفاق می‌افتد. (Kerr and Others, 1996: 699)

آخرین مسئله در ارتباط با نظریه هویت اجتماعی است که همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد توسط محققان در راستای کمک به بهتر توضیح دادن تروریسم اسلامی تروریسم غیر اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. گروه‌های اسلامی مانند داعش قطعاً به‌طور فعالانه به دنبال ارتقای تشویق اعضا به پیوستن به گروه‌های کوچک و روابط نزدیک برادرانه با یکدیگر با انگیزه‌های بسیار قوی می‌باشند. (Atran, 2004: 79) هنگامی‌که با افراد عضو گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش مصاحبه‌ای به عمل می‌آید، تمامی اعضای این گروه بر این باور هستند که آن‌ها با به خطر انداختن جان خود خواهند توانست به خانواده و نسل‌های آینده خود کمک کنند. (Atran, 2003: 1537)

بر اساس فرایندهای هویت اجتماعی، هر یک از اعضای گروه تروریستی داعش بر گروه و نظرات آن متمرکز هستند که این امر غالباً به ایجاد فشار برای همسویی منجر می‌شود و به جای اینکه میانگین نظر گروه درک شود، اعضای این گروه معمولاً نظر گروه را افراطی‌تر می‌بینند و چنین فشاری برای همسویی از سوی داعش، افراد را به سمت موضعی هدایت می‌کند که موضع اولیه آن‌ها جهش به سوی افراطی‌تر شدن و خشونت‌طلبی هر چه بیشتر است. (Smith, 2006: 3) علاوه بر این، متعاقباً داعش از طریق تبلیغات گسترده علیه قربانیانش، آن‌ها را از نظر روحی و روانی و فکری تحقیر می‌کند؛ و کسانی که با آن بیعت نمی‌کنند را یا کافر و مرتد می‌خواند یا خارجی و خوارج معرفی می‌کند و با هدف اثبات تفوق و برتری خود و متعاقباً به حاشیه راندن

رقبای خود، دائماً در حال استفاده از الفاظ طایفه‌ای، مذهبی و ایدئولوژیک علیه آن‌هاست. (الوقت، ۱۳۹۴: ۲)

فضیلت دانستن شر

مسئله خیر و شر از این نظر اهمیت دارد که بشر همواره در کشمکش میان خیر و شر قرار داشته است. هانا آرنه (Hannah Arendt) معتقد است مردم در روزگار مدرن معنای زندگی را از دست داده‌اند و به بن‌بست پوچی یا معنای کاذب زندگی رسیده‌اند یا به بیان بهتر از خودبیگانه شده‌اند. تمامی این‌ها موجب نمود نوع خاصی از شر در روزگار مدرن شده‌اند که آرنه به دلیل بنیان خالی از تعقل و تفکر آن را ابتدال به شر می‌خواند. (Huang, 2006: 6) وی با مشاهدات خود از محاکمه آیشمن (Otto Adolf Eichmann) و طرح مسئله ابتدال به شر یا عادی شدن شر، به مفهوم شر انسانی و رابطه آن با قدرت تفکر و تعقل در انسان پرداخته است و به‌نوعی شر انسانی را حاصل فقدان قدرت تعقل در انسان می‌داند. با توجه به زمینه ایجاد شر (فقدان تعقل) نتیجه می‌گیرد که بزرگ‌ترین شرها و خشونت‌ها از کسانی سر نمی‌زند که به‌ناچار باید با وجدان خویش روبرو شوند، بلکه بزرگ‌ترین خشونت‌طلبان کسانی هستند که به یاد نمی‌آورند، زیرا هرگز به اعمال خود فکر نمی‌کنند. همچنین وی مدعی بود که سرمنشأ شر انسانی عدم استفاده قدرت تفکر و به بیان بهتر شکلی از فلج وجدانی است. (Huang, 2006: 4)

نظریه آرنه در این مورد این بود که شرهای بزرگ در کل تاریخ بشر نه توسط متعصبان کور یا بیماران با مشکلات روانی، بلکه به وسیله مردم عادی که استدلال‌های دولت - ملت‌های خود را پذیرفته‌اند به اجرا درآمده و به همین دلیل، از نظر این مردم اعمالشان رفتاری طبیعی بوده است. (Bird, 1975: 13)

بر این اساس، یکی دیگر از مهم‌ترین خصیصه‌های گروه تروریستی داعش، فضیلت دانستن و تقدیس شر است که نمود آن را در بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به خشونت می‌بینیم. هنگامی که اعضای داعش در گروه هستند همانند یک زنجیره به یکدیگر متصل هستند، در نتیجه خشونت‌های که اعمال می‌شود برای آن‌ها چندان مهم نیست، زیرا آن‌ها هیچ‌گاه فکر نمی‌کنند که جنایاتشان وحشتناک است و به نظر می‌رسد نسبت به جنایت‌های خویش خودآگاهی ندارند و آن را امری عادی قلمداد می‌کنند. (Dassanayake, 2015: 1) از زمان ظهور داعش تاکنون این گروه با ناکامی در دستیابی به اهداف خود در عراق و سوریه و تثبیت موقعیت بشار اسد به‌عنوان رئیس‌جمهور سوریه، احساس کرد که همه‌چیز را از دست داده و در این مرحله با رویکردی تهاجمی‌تر به داخل عراق حمله کرد و با به کار گرفتن سازوکار دفاعی جابجایی و مخصوصاً بدون تفکر، خشم و نفرت خود را بر سر دولت و مردم عراق خالی کرد. (Jenkins, 2015: 5) به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه ادعان نمود که رفتارهای گروه تروریستی داعش در عراق نمایانگر ناتوانی و ناکامی آن‌ها در به

دست گرفتن حکومت سوریه و جبران آن از طریق ناامن کردن عراق و کشتار فردی و گروهی اقلیت‌های مذهبی و قومی و به نمایش درآوردن خشونت در رسانه‌ها است. (Mcfate, 2015: 7) علاوه بر این، کیش شخصیت رهبر گروه نیز در ترویج خشونت از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا کیش شخصیت رهبر با از بین بردن شخصیت انسان و تبدیل نمودن افراد گروه به ربات‌هایی به شکل انسان که مانند موم در دستان رهبری بوده و او را قادر می‌سازد تا به راحتی بتواند به هرگونه که مایل باشد شخصیت افراد را شکل داده و به شخصیت مورد نظر خود تبدیل و برای اهداف خود آماده سازد. در این راه رهبری از تمامی رفتارها و گفتارهای روان‌شناسانه استفاده می‌کند. رهبر همیشه درست می‌گوید و اشتباه نمی‌کند. چیزی که اعضای جدید داعش را در این گروه نگه می‌دارد کیش شخصیت البغدادی و وفاداری به او است. (Clarke, 2017: 8)

از جهت تقدس بخشی به خشونت، داعش خشونت را بخشی از لطف و رحمت خداوند به بندگان مؤمنش می‌داند. همچنین آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که اگر جهاد شکست بخورد، خداوند نابودی سخت‌تری را برای بشریت در نظر خواهد گرفت. از این رو، به اعضای داعش این‌گونه القا می‌شود که آن‌ها در راستای از بین بردن شر می‌جنگند و با فداکاری‌های شخصی و قربانی کردن خود قادر خواهند بود خیر را گسترش داده و در قبال آن از خداوند پاداش دریافت کنند. به‌عنوان مثال بمب‌گذاران انتحاری این گروه تروریستی معتقدند این کار باعث خواهد شد که آن‌ها زودتر به بهشت روند. (Tiersky, 2015: 4)

شواهد حاکی از آن است که یکی از ویژگی‌های گروه داعش تصمیم‌گیری بین مرگ و زندگی است. به عقیده فروید روان انسان، عرصه کشاکش دو گزینه زندگی و مرگ است. اگر به سخنان تمام کسانی که زندگی تحت تسلط گروه تروریستی داعش را تجربه نموده‌اند، توجه کنیم خواهیم دید که از آن به‌عنوان تجربه‌ای تلخ و هولناک یاد می‌کنند. (Faulkner, 2005: 2) اما نکته مهم اینجاست که تا به حال تعداد این افراد انگشت‌شمار بوده است، زیرا بسیاری از آن‌ها پس از پیوستن به این گروه، نمی‌توانند از دست این گروه تروریستی جان سالم به در ببرند. (Solomon, 2017: 2)

اعضای گروه داعش که مرتکب چنین اعمال افراطی و خشونت‌آمیز می‌شوند فاقد هم‌حسی با دیگران هستند و تمایل دارند انسان بودن قربانیان خود را نادیده بگیرند. حتی اگر به فرض محال برخی از این افراد توانایی برای هم‌حسی و ارتباط داشته باشند، اما با یک نوع ایدئولوژی خاصی بزرگ شده‌اند که به آن‌ها می‌آموزد اشخاصی که دارای مذهب، رنگ یا قومیت دیگری هستند بد هستند. (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۳۳-۳۳۲) شاید اعضای گروه تروریستی داعش که چنین عملیات خشونت‌آمیزی را انجام می‌دهند در این توهم به سر ببرند که حکم خدا را اجرا می‌کنند. بنابراین می‌بینیم که برای نشان دادن خشنودی خود از کاری که می‌کنند و فضیلت جلوه دادن شر و خشونت و توحش، خود را نیز می‌کشند و فدا می‌کنند. از این رو، شایان ذکر است که شکست در

مدیریت توحش، پایان کار نیست، بلکه منجر به توحش بیشتر می‌شود بدین معنا که، توحش مادر توحش است. (Robertson, 2014: 1)

وقتی که سطح وابستگی اعضای داعش به این گروه تروریستی افزایش می‌یابد، تمایل آن‌ها به دیو نشان دادن افراد خارج از گروه و آدم فرض نکردن آن‌ها افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، در عین اینکه فرد خودش را برای چنین گروهی قربانی می‌کند، هیچ‌گونه احساسی به افراد خارج از گروه ندارد و آن‌ها را هدف خشونت خود قرار می‌دهد و انجام اقدامات وحشتناک در ازای این اشیای خارج از گروه برای وی راحت‌تر و عادی می‌شود، زیرا از نظر داعش، آن‌ها انسان حساب نمی‌شوند و به‌طور کلی افراد خارج از گروه را آدم فرض نمی‌کنند. از این رو، داعش خشونت را راهی به مثابه رهایی و پیروزی می‌داند. (Moore, 2016: 2)

یکی از اختلالات گروه‌های بسیار منسجم به‌ویژه داعش که از اهمیت فراوانی برخوردار است، پدیده شناخته‌شده‌ای تحت عنوان تفکر گروهی است. اساساً تفکر گروهی، تمایل و گرایش گروه‌های منسجم برای رسیدن به اجماع در مورد موضوعاتی است که دیدگاه‌های مختلفی راجع آن وجود دارد. از این رو، تفکر گروهی به دلیل ناکامی در تمامی سطوح سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفته است. از نظر ایروینگ جانیس پدیده تفکر گروهی زمانی می‌افتد که فشارهای درون گروه منجر به تضعیف بازدهی ذهن، فهم ناصحیح از واقعیت و قضاوت اخلاقی سهل‌انگارانه می‌شود. در این مقاله، با تمرکز بر مدل تفکر گروهی برخی از خصائص و نشانه‌های این مدل در تصمیم‌گیری، پیامدهای آن و همچنین راه‌هایی برای جلوگیری از تفکر گروهی در تصمیم‌گیری گروه تروریستی داعش مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل آنکه بسیاری از تصمیمات در سازمان‌ها توسط یک گروه یا یک تیم اتخاذ می‌شود این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که تصمیمات گروهی مرجح بر تصمیماتی است که توسط افراد به صورت انفرادی گرفته می‌شود، اما در پاسخ باید گفت درست است که تصمیم‌گیری توسط گروه از مزایایی از جمله تأمین اطلاعات و آگاهی بیشتر، افزایش تنوع دیدگاه‌ها و افزایش مقبولیت تصمیم برخوردار است، ولی علی‌رغم چنین مزایایی، تصمیم‌گیری در گروه از نقاط ضعفی نیز برخوردار است که مهم‌ترین آن تفکر گروهی یا گروه‌زدگی است که گروه داعش بارزترین نمونه چنین تفکری است.

نتیجه‌گیری

در بررسی و مطالعه داعش به‌ویژه بعد روانی اعضای آن، اطلاعات دست‌اول بسیار کمی وجود دارد، زیرا حضور میدانی و مطالعه و مشاهده از نزدیک عملاً کار دشواری است و واقعاً نمی‌توان گفت در درون این گروه تروریستی چه می‌گذرد. تنها اطلاعاتی که می‌توان به آن اعتماد کرد فیلم‌ها و تصاویری است که توسط خود این گروه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. تصمیماتی که وجه مشخصه آن تفکر گروهی باشد احتمالاً به نتایج نابهینه می‌انجامد و منجر به تشدید درگیری‌های بین‌المللی خواهند شد. از این رو، با توجه به شاخصه‌های تفکر گروهی به

تجزیه و تحلیل گروه تروریستی داعش بر اساس این ویژگی‌ها پرداخته شد و نشان داده شد که داعش، توانسته است با استفاده از تبلیغات و فضای مجازی، نه تنها عقاید خود را منتشر و از آن محافظت کند، بلکه قدرتمندی و شکست‌ناپذیری خود را نیز القا کند. همچنین، متفکران این گروه از منابع اصلی دین اسلام برای توجیه خشونت استفاده می‌کنند و با برتر جلوه دادن خود و قائل بودن تفوق اخلاقی بر سایر گروه‌ها به جذب نیرو می‌پردازند که این امر منجر به واکنشی خشم‌آلود شده است. مهم‌ترین ویژگی این گروه، خشونت‌طلبی مفرط و بی‌تفاوتی نسبت به خشونت است. هنگامی که اعضای داعش در گروه هستند همانند یک زنجیره به یکدیگر متصل هستند، در نتیجه خشونت‌هایی که اعمال می‌شود برای آن‌ها چندان مهم نیست، زیرا آن‌ها هیچ‌گاه فکر نمی‌کنند که جنایاتشان وحشتناک است و به نظر می‌رسد از خودآگاهی نسبت به جنایات‌های خود، برخوردار نیستند. اعضای این گروه همچنین، خود را مجهز به دین درست و حقیقی می‌پندارند و بقیه مسلمانان را شر و پیروان راه غلط تصور می‌کنند. کیش شخصیت رهبر گروه و از بین بردن شخصیت انسان و تبدیل نمودن افراد فرقه به ربات‌هایی به شکل مانند موم در دستان رهبری نیز از دیگر ویژگی‌های داعش بر اساس گروه‌زدگی است و کیش شخصیت البغدادی و وفاداری به او همان چیزی است که اعضای جدید را در این گروه نگه می‌دارد.

علاوه بر این، تصمیم‌گیری بین مرگ و زندگی ویژگی دیگری است که کسانی که وارد این گروه تروریستی می‌شوند دو راه بیشتر پیش روی آن‌ها نیست؛ یا باید تا آخر بجنگند یا به مردن تن دردهند که این امر خشونت افراطی داعش را به نمایش می‌گذارد که در صورت سرپیچی اعضا از آرمان‌ها گروه حتی به اعضای خود نیز رحم نمی‌کند. بدین ترتیب، از جمله موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در گروه تروریستی داعش تصاویر، عکس‌ها و پیام‌های انتشار یافته توسط آن است، گویی با این کار می‌خواهد این پیام را به جهانیان مخابره کند که گروه داعش وحشی، خشن و زیان‌آور است. همان‌گونه که بیان شد داعش به‌طور کلی بر ایجاد وحشت متکی است. تصاویر سربریدن، آتش زدن و ترور تنها بخشی از پیامی است که داعش به‌طور مداوم به دنبال ارسال آن است. واژه‌های پیروزی، ترس و ذبح کلمات رایجی هستند که این گروه تروریستی به‌طور عادی از آن‌ها استفاده می‌کند و تصاویر انفجارها و جسدهای آویزان شده و چاقوهای در حال ذبح قربانیان را به راحتی منتشر می‌سازد. بنابراین، بر اساس آنچه بیان شد، تصمیم‌گیری در گروه تروریستی داعش شکستی فاحش است و نشان می‌دهد که تا چه حد یک گروه منسجم مانند داعش، هنجارهای درون‌گروهی بسیار ضعیف به وجود می‌آورد که موجب می‌شود بسیاری از فرض‌ها بلامعارض و بسیاری از بدیل‌ها بررسی نشده باقی بمانند. در نتیجه، اگرچه خشونت‌طلبی و وحشی‌گری داعش ممکن است عوامل مختلف روانشناسی داشته باشد، اما همان‌گونه که بیان شد یکی از عوامل اصلی آن روانشناسی گروه، گروه‌زدگی و عضویت در گروه است که فشارهای درون‌گروهی این گروه تروریستی منجر به از دست دادن قدرت تعقل اعضا، انحراف از واقعیت،

سیاه‌وسفید دیدن جهان و عادلانه پنداشتن اقدامات خشونت‌آمیز خود شده است تا جایی که رفتارهای خشن و هیستریک و قتل و آدمکشی از نظر این گروه همچون آب خوردن به شکل امری عادی درآمده است.

از این رو، در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان از تفکر گروهی یا گروه‌زدگی داعش جلوگیری نمود، برای جلوگیری از تأثیرات تفکر گروهی در تصمیم‌گیری چند پیشنهاد را می‌توان ارائه نمود. نخست اینکه رهبر گروه باید برای هر یک از اعضا نقش ارزیاب انتقادی را قائل شود و گروه را به ارجحیت آشکار نمودن مخالفت‌ها و تردیدها تشویق کند. دوم اینکه برخی از اعضا، دیدگاه‌های اعضای اصلی گروه را مورد چالش قرار داده و حداقل یک عضو باید نقش وکیل مدافع شیطان را ایفا کند و تا جایی که ممکن است مخالفت‌های زیادی را با هر گزینه ابراز کند. سوم اینکه از اعضا انتظار می‌رود شبهات و تردیدهای خود را آشکارا بیان کنند و قبل از هرگونه انتخاب قطعی در کل مسئله مورد تصمیم‌گیری تجدیدنظر کنند. پیشنهاد چهارم که از نظر نگارندگان تأثیر بسیاری در کاهش و از بین بردن تفکر گروهی داعش دارد کاهش انسجام این گروه و گشودن راه‌های پویایی تصمیم نیز با روش‌های مختلف است، زیرا با این راهکار اعضا به یک گروه منسجم احساس تعلق نمی‌کنند و اثرات تفکر گروهی و متعاقباً مبادرت به اقدامات خشونت‌آمیز در این گروه تروریستی تا حد زیادی محدود خواهد شد.

به کشورهای حامی مبارزه با تروریسم نیز پیشنهاد می‌شود تا به جای برداشت منفعت‌محورانه خود از تروریسم و پیش بردن برنامه و منافع خاص خود در از بین بردن و جلوگیری از بازتولید گروه تروریستی داعش، با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌های تروریسم، استراتژی همکاری و تعامل با یکدیگر را به‌کارگیرند تا آزادی عمل برای تجهیز و سازمان‌دهی این گروه را محدود کنند. دولت‌های منطقه اگر دیدگاه ابزاری خود نسبت به تروریسم و مبارزه موقت و گزینشی با این پدیده را کنار بگذارند، مطمئناً خواهند توانست دستاوردهای موفقیت‌آمیزتری از مبارزه با این گروه کسب کنند. علاوه بر این کشورهای ذی‌نفع در مبارزه با تروریسم، می‌توانند با ارائه کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای مستعد تروریسم به‌ویژه عراق و سوریه و ایجاد نهادهای منطقه‌ای پیشگیرانه با هدف جلوگیری از وخامت اوضاع در شرایط بحرانی کنونی به صورت مطلق در مبارزه با تروریسم عمل کنند.

کتاب‌نامه

الف- کتب

۱. عبدالملکی، سعید، ۱۳۹۴، تحلیل روان‌شناختی پدیده داعش با تأکید بر روانشناسی سیاسی، تهران: نشر علم.
۲. کاتم، مارتا؛ اولرف بث دیتز، مسترز؛ النا و پرستون، توماس، ۱۳۸۶، مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی، ترجمه سید کمال خرازی و جواد علاقبند راد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. لویون، گوستاو، ۱۳۷۱، روانشناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها، تهران: انتشارات روشنگران.

ب- مقالات

۴. عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۳)، «ریشه‌های روان‌شناختی ظهور پدیده داعش»، صدای ایران، ص ۲.

ج- اینترنتی

۵. جلالی، بی‌نظیر، (۱۳۹۶/۶/۷)، «رفتار اعضای داعش را با رویکرد روان‌شناختی چگونه باید تحلیل کرد؟»، روزنامه شرق، صص. ۱-۳، قابل مشاهده در:
http://sharghdaily.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?Src=Main&News_Id=43024
۶. زکریا، رافیا، (۱۳۹۶/۴/۲۳)، «دکترین داعش در قبال زنان»، سایت خبرگزاری فرادید، صص. ۱-۹، قابل مشاهده در:
<http://faradeed.ir/fa/news/405/%DA%86%D8%B1>
۷. الوقت، (۱۳۹۶/۲/۱۷)، «تأثیر دوگانه محیط و اندیشه بر رفتار سیاسی داعش»، پایگاه تحلیلی خبری الوقت، ص. ۲، قابل مشاهده در:
<http://alwaght.com/fa/News/18714/%D8%AA%D8%A3>

د- انگلیسی

8. AbuZayd, Karen Koning, Ponte, Carla Del,Muntarhorn, Vitit and Pinheiro, Paulo, (2015), "Rule of Terror", **The Cairo Review of Global Affairs**, pp.1-19.
9. Alarid, Maeghin, (2016), "Recruitment and Radicalization: The Role of Social Media and New Technology", **Center for Complex Operations**, pp.313-329.
10. Aronson, Elliot (۲۰۱۰). **Social Psychology**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall. p.273.
11. Atran, Scott, (2015), "Mindless terrorists? The truth about Isis is much worse", **The Guardian**, PP. 1-7, Available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2015/nov/15/terrorists-isis>, Seen at: 3/6/2017.
12. Atran, Scott. (2004). "Mishandling suicide terrorism". **The Washington Quarterly**, 27(3), 67-90.

13. Bird, David, (1975), "Hannah Arendt, Political Scientist, Dead". **The New York Times**, Retrieved 2011-03-12.
14. Bondokji, Neven, Wilkinson, Kim and Aghabi, Leen, (2016), "Understanding Radicalisation", **Ministry of Foreign Affairs of the Netherlands**, pp. 1-30.
15. Borum, Randy, (2004), "Psychology of Terrorism", **Tampa: University of South Florida**.
16. Chassman, Alyssa, (2016/17), "Islamic State, Identity, and the Global Jihadist Movement: How is Islamic State successful at recruiting "ordinary" people?", **Journal for Deradicalization**, pp. 205-259.
17. Chen, Yan And Xin Li, Sherry, (2008), "Group Identity and Social Preferences", **School of Information, University of Michigan**, pp. 45.
18. Christmann, Kris, (2012), **Preventing Religious Radicalisation and Violent Extremism**, A Systematic Review of the Research Evidence; Youth Justice Board for England and Wales.
19. Clarke, Colin P., (2017), "Is ISIS Leader Baghdadi Still Alive?", **Objective Analysis. Effective Solutions; The RAND Blog**, pp. 1-9.
20. Connor, Jeffrey & Flynn, Carol Rollie, (2016), "Countering Violent Extremism", **Georgetown University Center for Security Studies National Security, Critical Issues Task Force**, pp. 1-34.
21. Cottam, Martha L., Mastors, Elena, Preston, Thomas, Dietz, Beth, (2015), **Introduction to Political Psychology**, London: Routledge.
22. Daskin, Emin, (2016), "Justification of violence by terrorist organisations: Comparing ISIS and PKK", **Journal of Intelligence and Terrorism Studies**, pp. 1-15.
23. Dassanayake, Dion, (2015), "Islamic State: What is IS and why are they so violent?", **Express Home of the Daily and Sunday Express**, pp. 1-7.
24. de la Corte, Luis, (2007), "Explaining Terrorism: A Psychosocial Approach", **Perspectives on Terrorism (terrorism analysts)**, Vol 1, No 2, pp. 1-18.
25. Dezutter, J., Soenens, B., Luyckx, K., Bruyneel, S., Vansteenkiste, M., Duriez, B., & Hutsebaut, D. (2007), **The role of religion in death attitudes: Distinguishing between religious belief and style of processing religious contents** (Katholieke Universiteit Leuven, Faculty of Economics and Applied Economics, Department of Marketing and Organisation Studies, Working Paper MO 0703).
26. Dugosh, Karen Leggett and Paulus, Paul B. (2005), "Cognitive and social comparison processes in brainstorming", **Journal of Experimental Social Psychology**, 41, pp. 313-320.
27. Faulkner, Joanne, (2005), "Freud's Concept of the Death Drive and its Relation to the Superego", **An Internet Journal of Philosophy**, Vol. 9, pp. 1-20
28. Georges, Amaryllis, (2015), "ISIS Rhetoric for the Creation of the Ummah", **TRENDS Research and Advisory**, pp. 1-22.
29. Gerges, Fawaz A., (2016), "The World According to ISIS", **Foreign Policy Journal**, pp. 1-20.

30. Graham, John, (2016), "Who Joins ISIS and Why?", **Huffington Post**, PP. 1-10, available at: http://www.huffingtonpost.com/john-graham/who-joins-isis-and-why_b_8881810.html, Seen: 28/6/2017.
31. Hadra, Dana, (2015), **ISIS: Past, Present and Future?: Pro-ISIS Media and State Formation**, Boston College University Libraries.
32. Hashemi, Nader, (2016), "The ISIS Crisis and the Broken Politics of the Middle East", **Institute on Culture, Religion and World Affairs**, pp. 1-24.
33. Hegghammer, Thomas, (2010), "The Rise of Muslim Foreign Fighters; Islam and the Globalization of Jihad", **International Security**, Vol. 35, No. 3, pp. 53–94.
34. Houghton, David Patrick, (2015), "Understanding Groupthink: The Case of Operation Market Garden", **thinking strategically**, pp. 74-86.
35. Huang, Mab, (2006), "Hannah Arendt on Banality of Evil", **Soochow Journal of Political Science**, No.23, pp.1-23.
36. Hussain, Murtaza, (2015), "Islamic State's Goal: "Eliminating the Grayzone" of Coexistence Between Muslims and the West", **The Intercept**, pp.1-11.
37. Ignatius, David, (2015), "How ISIS Spread in the Middle East And how to stop it", **The Atlantic**, pp. 1-21.
38. Jenkins, Michael, (2015), "How the Current Conflicts Are Shaping the Future of Syria and Iraq", **Perspective Expert insights on a timely policy issue**, pp. 1-27.
39. Kerr, Norbert L. and MacCoun, Robert J. and Kramer, Geoffrey P. (1996), "Bias in Judgment: Comparing Individuals and Groups ", **American Psychological Association**, Vol. 103, No. 4, pp.687-719.
40. Kharroub, Tamara, (2015), "Understanding Violent Extremism: The Social Psychology of Identity and Group Dynamics", **Arab Center Washington DC**, pp.1-18.
41. Krisch, Joshua A. (2015), "The Psychology Of A Terrorist: How ISIS Wins Hearts And Minds", **New York Daily News**.
42. Lunenburg, Fred C. (2010), "Group Decision Making: The Potential for Groupthink", **international journal of management, business, and administration**, volume 13, number 1, p.1-7.
43. Lupu, Noam, (2015), "Party Polarization and Mass Partisanship: A Comparative Perspective", **Springer; Polit Behav**, 37, pp.331–356.
44. Mathers, Paula, (2016), "Recruitment and radicalisation: The psychology of ISIS", **www.intersec.co.uk**, Available at: <http://www.intersecmag.co.uk/wp-content/uploads/2016/10/34-36-feature-oct16.pdf>, Seen at: 2/6/2017.
45. Mcfate, Jessica Lewis, (2015), "The ISIS Defense in IR AQ and SYRIA: Countering an Adaptive Enemy", **Middle East Security Report**, 27, pp. 1-45.
46. McLeod, Saul, (2008), "Social Identity Theory", **Simply Psychology**, pp.1-7, Available at: <https://www.simplypsychology.org/social-identity-theory.html>, Seen at: 28/6/2017.

47. Mikami, Nathan C., (2017), "ISIS and Religious Nationalism: Religious Nationalist Identity among Non-State Actors", **Western Political Science Association(WPSA)**, pp. 1-29.
48. Mintz, Alex and Wayne, Carly, (2016), "The Polythink Syndrome and Elite Group Decision-Making", **Advances in Political Psychology**, Vol. 37, pp. 1-21.
49. Moore, Jack, (2016), "Duterte: If ISIS Arrives, Forget About Human Rights", **News Week**, pp. 1-7, Available at: <http://www.newsweek.com/philippines-duterte-if-isis-arrives-forget-about-human-rights-520693>, Seen: 2/7/2017.
50. Newman, Ruth, (2015), "ISIS: inside the mind of a terrorist: the psychology behind the alarming rise of the islamic state".
51. Robertson, Ian H., (2014), "ISIS Savagery Explained", **Psychology Today**, pp. 1-8, Available at: <https://www.psychologytoday.com/blog/the-winner-effect/201408/isis-savagery-explained>, Seen: 1/7/2017.
52. Rose, James D. (2011), "Diverse Perspectives on the Groupthink Theory – A Literary Review", **Emerging Leadership Journeys**, Vol. 4, Iss. 1, pp. 37-57
53. Rosenblatt, Nate, (2016), "All Jihad Is Local; What ISIS' Files Tell Us about Its Fighters", **International Security Program**, pp. 1-39.
54. Smith, Joanne R, (2006), "Social Identity and Attitudes", **Attitudes and attitude chang; New York:Psychology Press**, pp. 337-360.
55. Solms, Sibs von, (2003), "Group Polarization, Social influence and The Analytic Hierarchy Process", **ISAHP 2003, Bali, Indonesia; Mondi Kraft, A Division of Mondi Ltd**, pp. 475-484.
56. Solomon, Feliz, (2017), "Defense Chief James Mattis Says the U.S. Is Now Using 'Annihilation Tactics' Against ISIS", **Time**, 1-7.
57. Stangor, Charles, (2013), "Group Decision Making", **Principles of Social Psychology**, pp.1-24, Available at: <https://opentextbc.ca/socialpsychology/chapter/group-decision-making/>, Seen: 30/6/2017.
58. Tadjbakhsh, Shahrbanou, (2016), "Background Papers on Violent Extremism and its Prevention ", **Framing Development Solution for The Prevention of Violent Extremism**, pp. 1-50.
59. Tiersky, Ronald, (2015), "Understanding How ISIS Sees Itself", **Real Clear World**, Available at: http://www.realclearworld.com/articles/23/06/2015/understanding_how_isis_see_s_itself_111280.html, 2017/1/9.
60. Tse, Tiffany, (2016), "ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role?", **Carnegie Mellon University(Dietrich College of Humanities and Social Sciences)**, pp. 1-25.
61. Zamora, Laura Sabater, (2016), **Analysis of European Muslim women's migration to Syria to join ISIS**, Master Thesis in Development and International Relations, Denmark: Aalborg University.